

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۵ شهریور ماه ۱۳۲۱

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
 ۲ - بقیه شور در لایحه متمم بودجه سال ۱۳۲۱ از ماده ۵ تا ماده ۱۲
 ۳ - موقع دستور جلسه بعد . ختم جلسه

(مجلس یکساعت و سه ربع پیش از ظهر بر بابت آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس روز ۱۲ شهریور ماه را آقای (ملوسی) منشی خواندند:

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد .

۲ - بقیه شور در لایحه متمم بودجه سال ۱۳۲۱ از ماده ۵ تا ماده ۱۲

رئیس - بقیه پیشنهادهایی که در ماده ۵ از جلسه گذشته باقی مانده است خوانده میشود .

پیشنهاد آقای هاشمی :

پیشنهاد میشود امور یکسره کارخانجات کاملاً امر کز بافته و یک نفر متخصص یا مستشار خاصی برای اداره کلیه

امور آن دولت استخدام کند .

هاشمی - بنده در جلسه گذشته این پیشنهاد را کردم و چون از مجموع مذاکراتی که در مجلس بعمل آمد چه از طرف آقایان نمایندگان محترم و چه از ناحیه آقای وزیر محترم بازرگانی و پیشه و هنر اهمیت موضوع ثابت و پا برجا شد که مسئله کارخانجات یکی از سرمایه های مهم ایران است و یکی از ودایع و تمایجی است که از حکومت بیست ساله گذشته برای ملت ایران باقی مانده است در سابق یک قدرت همه امور مملکت را اداره میکرد از آن جمله این کارخانجات

این مذاکرات مشروح هشتماد و پنجمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

غالبین با اجازه - آقایان : فاطمی - ملکزاده آملی - مؤید احمدی - یهین اسفندیاری - امیر ابراهیمی - اوجونک
 غالبین بی اجازه - آقایان : تولیت - دکتر ضیاء - نوبخت - فیاض - شه دوست - ملک مدنی - فرخ - محبت لاریجانی - مشار - مکرم - فشار - اکبر - حمزه تاش - معتمد سنگ - دبستانی - آصف - خسرو شاهی .
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : موثر - شیروانی - ابقوانی - نیکپور - بوداغبان .

يك متخصص مالی که خوب امور مالی و انتفاعی و استحصالی را بداند و اداره کند محتاجیم در واقع نه اینکه اینطور باشد يك خوان متمتت و پراکنده باشد قسمت دیگری که فرمودند راجع به بازار گاهی دولت بنده اشتباه نکردم این قسمت را هم بحضور عالی نسبت ندادم اما از وزرائی اینجا شنیدم که اینجا مکرر میگفتیم آقا چائی را که باین قیمت میخرید چرا مثلاً بفلان قیمت گرانتر میفروشید؟ میگفتند آقا دولت تاجر است هر چه بیشتر خریده و هر چه قدر هر روز که قیمتش بالا رفت ما گرانتر میفروشیم من گفتم که دیگر تجارت با این ملت فلان زده موضوعی ندارد چیزی دیگر ندارد که بدهد حالا هم اصراری ندارم هر جور که بهتر میدانید اداره میشود و مورد اطمینان باشد که اداره میشود بکنید والا بنده پیشنهاد را مسترد میکنم اهمیت ندارد اما اداره نمیشود.

رئیس - مسترد داشتند.

طوسی - دو تبصره دیگر رسیده است یکی مال آقای اراقی است یکی مال آقای نقابت.

رئیس - بخوانید.

تبصره زیر را بماده ۵ پیشنهاد میکنم: میزان سود ویژه از درآمد این کارخانجات زیاده بر صدی ۱۲ نخواهد بود نقابت

مخبر - آقای نقابت استرداد کردند.

طوسی - مسترد کردند؟

نقابت - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

نقابت - راجع به صدی ۱۲ بنده در جلسه گذشته هم عرض کردم و آقای وزیر هم توضیح دادند منتهی از بس بنده مختصر عرض میکنم فراموش میشود و آن اینست که در جواب بنده آقای وزیر بازار گاهی و پیشه و هنر فرمودند و توضیح دادند که دولت وقتی کارخانجات را طبق اصول بازار گاهی اداره و بهره برداری میکنند خودش میشود بازار گاهی و مشمول قانون صدی دوازده هست (صحیح است) چون این توضیح

را آقای وزیر دادند بنابراین قانون صدی دوازده شامل این قسمت هم خواهد بود استثناء پذیر هم نیست. اگر اینطور است بنده دیگر موردی برای طرح این پیشنهاد نمی بینم اگر غیر از اینست که دولت هم باید مثل سایر کارخانجات از صدی ۱۲ بیشتر استفاده نکند چنانچه سایرین هم همین طریق است (صحیح است).

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - بنده در چندین جلسه عرض کردم هر تصمیمی که مجلس شورای ملی نسبت به کارخانجات بگیرد دولت هم در این اداره کارخانجات خودش مشمول همین تصمیم خواهد بود یعنی امروز صدی دوازده است ممکن است فردا مجلس شورای ملی تصمیم بگیرد صدی شش باشد یا صدی یک باشد یا پس فردا صدی هیجده باشد هر تصمیمی که مجلس شورای ملی بگیرد این کارخانجات هم مشمول است و این ۱۲ درصد هم که الآن هست مشمول است (صحیح است)

نقابت - چون مقصود بنده تأمین است استرداد میکنم رئیس - تبصره پیشنهاد آقای اراقی.

پیشنهاد مینمایم تبصره زیر بماده ۵ اضافه شود. ابوالقاسم اراقی.

تبصره - محصول کارخانهای دولتی بقیمت ثابت و بدون تبعیض و تفاوت بمعوم افراد کشور فروخته خواهد شد.

لراقی - بنده پیشنهاد کردم محصول کارخانجات دولتی با قیمت ثابت بمردم فروخته شود و تبعیض در کار نباشد آقایان مستحضرات بعضی از کارخانجات دولتی محصولش با تبعیض و خصوصیت فروخته میشود مثلاً از قیمت جورابی که از کارخانه حریر چالوس بیرون میآید آقایان اطلاع دارند بیک اشخاص خاصی این جوراب را جفتی پنج تومان میدهند و در بازار آزاد جفتی بیست تومان بفروش میرسد این مناسب ندارد برای چه باید اینطور باشد چیز او کسی است و از این راه دولت میتواند درآمدی داشته باشد. همینطور صابون بنده در خاطر دارم يك وقتی آقای وزیر پیشه و هنر فرمودند که محصول کارخانه صابون سازی ما برای همه کشور کفایت

میکند خوب اگر اینطور است چرا جیره بندی نمی کنید که بدون تبعیض و تفاوت به همه مردم کشور برسد هر کس کشته با آقای وزیر پیشه و هنر نزدیک است و وسیله دارد و يك یادداشت میتواند خدمتشان بدهد تمنی میکند صندوقی ۴۰ تومان یا ۵۰ تومان گیرش میآید ۴۰ تومان بیک اعتبار ۵۰ تومان بیک اعتباری هر کس که این دسترسی را ندارد مثل افراد دیگر باید صندوقی صد و پنج تومان یا صد و ده تومان این محصول را بدست آورد یعنی صابون قالبی سی شاهی را قالبی سه قران و ده شاهی از محصول کارخانه صابون سازی ایران بخرد. اگر محصول کارخانه صابون بقدر کفایت هست چه مانعی دارد که این را جیره بندی بکنند و بتمام افراد کشور بطور تساوی بدهند و اگر کم است چه مانعی دارد باشخاص پائینتر و بی بضاعتتر با جیره بندی بدهند؟

آقای وزیر پیشه و هنر - دیر روز مطلبی فرمودند که درش اصرار هم داشتند و ناچارم خدمتشان جواب عرض کنم میفرمائید عمل توزیع را نمیشود با احتیاجات تطبیق کرد و برای این موضوع يك سلسله مذاکراتی فرمودند و محال بنظرشان آمده بود که عمل توزیع را در هر ناحیه با احتیاجات آن جا تطبیق کرد بنده خدمتشان عرض میکنم که این کار مشکلی نیست بشرط اینکه با اهل فنش واگذار کنید در همین کشور اگر دقت کنید نفت و بنزین از يك منبع بیرون میآید و در تمام کشور هم توزیع میشود و هیچکس هم اتفاق نیفتاده که پای به پ بنزین برود و بقیمت ثابتی با او نفروشد. روزی هر به پ سی هزار لیتر مصرف دارد پمپی بیست هزار لیتر مصرف دارد پمپی هست بیشتر مصرف دارد بقیمت واحد در تمام کشور ایران از سرخس تا جلغا تا بندرچاه بهار مصرف میشود و تمام افراد درش علاقه مندند با قیمت ثابت استفاده میکنند و میخرند همیشه هم در دسترس شان هست پس کار مشکلی نیست اگر بعهده وزارت پیشه و هنر یا اداره کربل بخش واگذار میشود می دیدند که پای هر پمپ روزی چند تا سر و سررت خورد می شد یا میگفتند بیست یا گرتی يك لیتر نفت و بنزین محتاج بتوصیه و یادداشت بود و معرفی نامه

میخواست اما فعلاً يك آدم مطالعه این کار را میکند نه سر و صدائی در مملکت هست نه اشکالی دارد همینطور است نسبت سایر چیزها بعقیده بنده اشکالی ندارد محال هم نیست بشرط اینکه بمتخصص و اهل فنش رجوع کنند با کمال سهولت میشود بقیمت ثابت و بقدر احتیاج مردم در تمام کشور توزیع و تقسیم کرد با بهای واحد پس اینکه فرمودند نمیشود احتیاجات را با توزیع تطبیق کرد و محال است نه خیر محال نیست بلکه عملش انجام شدنی است در تمام دنیا هم می شود چنانچه در کشور خود ما هم بدست ایرانی ها این عمل انجام میشود و این پیشنهادی را که بنده کردم این است که استدعا کردم که محصول کارخانجات دولتی بطور تساوی با قیمت ثابت بدون تبعیض بمردم فروخته شود دیگر معرفی نامه و خصوصیت در کار نباشد تبعیض نشود بتمام مردم با کوپن تقسیم کنند اگر کافی نیست بقیمت ثابتی که افغ خزانه را هم درش رعایت کنند تقسیم کنند و بمعرض فروش در آورد (صحیح است)

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - بنده توضیح زیادتی ندارم راجع به جوراب که فرمودند وزارت پیشه و هنر همین منظوری را که میفرمائید رعایت کرده جفتی ۵ تومان فروخته بهر کس حالا در بازار قیمتش بیشتر است بنده هم تصدیق دارم ولی اگر يك کسی گرفت و بخواست بپوشد و رفت در بازار و فروخت ۲۰ تومان این چه عیبی دارد و بما چه مربوط است؟ اگر فردا وزارت پیشه و هنر جفتی بیست تومان هم فروخت.

لراقی - در این جا مسابقه ضرری ندارد برای بالا رفتن نرخ.

وزیر پیشه و هنر - و فردا او در بازار فروخت چهار تومان بحثی بر ما نیست عرض کردم ما سعی کردیم که با قیمت ثابت بفروشیم.

لراقی - بنده چطور؟ اینکه جزو ارزاق عمومی است وزیر پیشه و هنر - ارزاق عمومی؟ البته بنده در سهم خودم جواب میدهم قسمت فنند و قیمت آن مربوط بکار بنده

نیست عرض کردم . . .

لر اقی - چرا بکار شما مربوط نیست شما مدافع دولت هستید .

وزیر پیشه و هنر - عرض کردم ما سعی کردیم در این قسمت قیمت ثابت بماند و گفتیم حالا هم اگر بیست تومان بکنیم فردا چهل تومان فروخته میشود .

افشار - باز هم بالاتر ببرید .

وزیر پیشه و هنر - بله ؟ اجازه بفرمائید يك كار میشود کرد بترتیب مزایده بفرمائیم این يك حرفی است يك طریقی است دیگر آنوقت بنده نمیدانم که مزایده را با قانون احتکار چه جور می شود تطبیق کرد از يك طرف ما بیاییم بهر قیمتی که بیشتر از آن نیست بفرشویم و البته يك اشخاص و کسانی که صاحب سرمایه هستند میروند و میخرند و يك کسانی که مورد احتیاجشان است .

لر اقی - راجع بقند و چای عرض کردم که ما احتیاج عمومی استم ایفزا کنید .

وزیر پیشه و هنر - اجازه بفرمائید عرضم را بکنم بنده که مسئول چای نیستم قسمت جوراب را دارم صحبت میکنم چای را هم خود آقای وزیر دارائی شریف می آورید و جواب میدهند .

لر اقی - عرض کردم شما مدافع دولت هستید نه وزارت پیشه و هنر .

وزیر پیشه و هنر - عرض کنم چای مربوط بکارخانه ایست آخر آقای . . . راجع بصابون هم یکدفعه اینجا این قسمت را توضیح دادم وضع حسابداری عمومی کارخانجات بلااستثناء وقتی که بنده آمدم طوری بود که اصلاً معلوم بشود که قیمت يك صندوق صابون چقدر است کاری که بنده کردم این بود که با وزارت مالیه هم مذاکره کردم و يك میسیونری از بانك ملی آوردیم و حساب را از پائین گرفتند و از نتیجه محاسبه که بدست آمد يك قیمتی تعیین شد الان هم که ما میفرشویم بکلیه اشخاص بيك قیمت میفرشویم ولی کسانی که میگویند ما برای احتیاجات شخصی خودمان

این کشور جوراب تهیه کنیم قول میدهم از پنج تومان يك دينار هم زیاد تر نشود ولی اگر بخواهیم تولید کم کارخانه را بيك عدد زيادى برسایم جز از راه جیره بندى نمیشود این کار را کرد و اگر بخواهیم يك كاری کنیم که با اندازه مصرفی که همه دارند بآنها برسد بایستی مواد اولیه اش را تهیه کنیم و محصول کارخانه را زیاد کنیم که بهمه برسد منتهى البته يك زحماتی دارد و يك مقدماتی لازم دارد که آن مقدمات فعلاً فراهم نیست و در باب جیره بندى هم اگر بفرمائید که بنده مدعی هستم که بقدر متخصصین انگلستان یا مالک دیگر دنیا اطلاع از این امر دارم بنده همچو اطلاعی را ندارم اما اینکه میخواهید بفرمائید که در ایران ممکن است آنقدر متخصص برای جیره بندى برای توزیع و تقسیم بدست بیاید مسلم است با اندازه مالک دیگر ما نداریم و خیال نمیکنم باشد و مسلم است که مالک دیگر از ما جلوتر هستند و ما هم سعی میکنیم (با اینکه با اصل مقصودشان کاملاً موافقم) و قول میدهم که حتی المقدور بآن منظورشان کاملاً نزدیک شویم و اینکه آقای پیشنهاد فرموده اند بقیمت ثابت قیمت ثابت یعنی چه جور ؟ یعنی مسئول قیمت وزارت پیشه و هنر است یا همین تعبیر ؟ اگر میفرمائید جورابی را که وزارت پیشه و هنر پنج تومان میفرشد و در خارج بیست تومان فروش می رود اگر این تعبیر را میفرمائید با قبول پیشنهاد جنابعالی هم این مقصود عملی نخواهد شد و این تفاوت باقی خواهد بود ولی اگر مقصود این است که تبعیض در موقع فروش از طرف وزارت پیشه و هنر نشود این البته عملی است و بنده حاضر و عنقریب بیلاش را هم منتشر میکنیم و آقایان خواهند دید و اگر پیشنهادشان را آقای لر اقی استرداد فرمایند بنده تأمین میکنم نظریه آقای را .

لر اقی - حالا که میفرمائید تأمین میکنم بنده پیشنهادم را پس میگیرم .

رئیس - پیشنهاد آقای فرمائید :
تبصره - محصول کارخانجات دولتی در مرکز و شهرستانها بنرخ ثابت توسط بازرگانی که بمعرفی اطفاهای تجاری

پیشنهاد میشود بفروش خواهد رسید .
رئیس - آقای فرمائید .

فرمانفرمایان - بنده و آقای وزیر پیشه و هنر يك اختلافی که داریم این است که ایشان مایل نیستند مطالب روی يك اصولی بچریان بیفتند . موضوع بحث ما اولاً این است که کارخانجات چه جور اداره شود و يك موضوع دیگر این است که محصول کارخانجات بچه ترتیبی باید در این مملکت توزیع بشود احتیاجات هم البته سر جای خودش است ایشان در يك کلیات يك مذاکرانی میفرمایند و اصرار میفرمایند که آن چیزی که بنظر ما میرسد و يك نظر صالحانه ایست محوم میشود در بیانات معلول ایشان . اولاً بنده يك نظری داشتم راجع بعارز اداره کارخانجات که آن نظر را ایشان زیر بار گرفتند بسیار خوب حالا در آن قسمت دیگر عرضی ندارم حالا آمدیم در سر موضوع فروش محصولات کارخانجات دولتی در این قسمت هم در جوابی که نسبت به پیشنهاد آقای لر اقی فرمودند نظر ایشان و نظر همه تأمین میشود ولی از نظر عمل هیچوقت تأمین نمیشود . بنده به آقای عرض میکنم شما خودتان پیشنهاد بفرمائید نه اینکه بنده عرض کنم شما توضیح بفرمائید که این محصولاتی که در دسترس شما است یعنی امروز که این فرآورده ها در دسترس شما می آید این را چه جور میخواهید توزیع کنید شما مقتضی و صلاح میدانید که مأمورین دولتی یعنی اشخاصی که حقوق از صندوق دولت میگیرند اینها محصولات دولتی را توزیع کنند اگر نظر آقای این است اینکار همین است که بود وقتی هم که يك نکته خیلی روشن و واضحی را ده نفر امینده بتوان میگویند به هیچکس جواب داده نمیشود ده نفر از آقایان امیندگان در جلسات عریضه اظهار کردند که فروش توتون و سیگار که چه صورتی دارد يك کلمه در جواب اظهار شد چرا يك قوطی سیگار را که دو قران و دو قران و دهشاهی قیمتش بود چرا باید شش قران بفروش برود بورس سیاه را آقای خود شما (یعنی نه مقصودم شخص شما است) تولید کردید اصلاً مواد بورس سیاه خود این جریانی است که دولت و وزارتخانه ها پیش

گرفته اند چه در تحت ریاست و وزارت بازرگانی باشد چه وزارت دارائی هیچ فرقی نمیکنند ما میخواهیم این اصل را روشن کنند که این فرآورده هائی که از این کارخانجات دولتی بدست میآید بچه شکل مصلحت است توزیع و بین مردم تقسیم شود. در فلان شهرستان مکرر تلگرافانی بتوسط بنده رسیده است که مثلاً در سراب یا مراغه دو سال است اصلاً چیت در آنجا وجود ندارد تکلیف این مردم چیست یا چیت هست یا نیست اگر نیست علی السویه برای طهران هم نباشد برای سراب هم نباشد اگر هست باید يك تناسبی قائل شد اگر پنجهزار متر در طهران داده میشود بيك تناسبی باید در سراب هم مثلاً هزار متر داده شود پس مقصود این است که آقا يك جور و يك طرز اصولی باید برای توزیع قائل شد والا تا این نظر تأمین نشود همین بساط و همین جریانی است که فعلاً هست و ادامه پیدا میکند شما قائل شوید که توزیع محصول این کارخانه های دولتی بيك شکل با نظم و ترتیبی در دسترس عموم واقع میشود آن ترتیب چه جور خواهد بود والا نظر مخصوصی و غرض مخصوصی در بین نیست.

رئیس - اگر توضیحات یکقدری مختصر تر باشد بنظر بنده زودتر تمام میشود.
وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - بنده هر چه باید توضیح بدهم همینطور که میفرمایید در جلسات عدیده توضیح عرض کرده ام تعیین تکلیف پیشنهاد آقا را هم به نظر مجلس واگذار میکنم.

رئیس - موافقین با تبصره پیشنهادی آقای فرمائیر مائیان برخیزند (عده کمی قیام نمودند) قابل توجه شد.
پیشنهاد آقای ثقة الاسلامی :
 بنده پیشنهاد میکنم به ماده پنجم بطوری که در لایحه تنظیم شده است رأی گرفته شود.
ثقة الاسلامی - مسترد میکنم.

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده پنجم . .
الوار - اصلاحاتی شده است قرأت شود بعد رأی گرفته شود.

رئیس - ماده پنجم با اصلاحات خوانده میشود
 ماده پنجم - دولت مجاز است هر يك از کارخانه ها و بنگاه های معدنی و صنعتی و بازرگانی و کشاورزی خود را که مقتضی بداند طبق اصول بازرگانی اداره و بهره برداری نماید. مقررات اداری و استخدامی و مالی که برای تأمین این مقصود لازم باشد بموجب آئین نامه هائی که با موافقت وزارت دارائی بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید تعیین خواهد گردید

هر يك از کارخانهای وزارت جنگ نیز که بمناسبت جنبه عمومی آن دولت مصلحت می بیند بهمین طریق اداره شده و در صورت لزوم دریافت تا مبلغ ده میلیون ریال برای سرمایه بهره برداری این کارخانه ها از بانکهای دولتی مجاز است ترازنامه سالیانه و حساب سود و زیان کارخانه های مذکور باید تا آخر شهریور ماه سال بعد تنظیم و برای تفریغ حساب به کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی پیشنهاد شود
 رئیس - موافقین با ماده پنجم با این اصلاحی که شد برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد
 ماده ششم قبلاً تصویب شده است. ماده هفتم خوانده می شود :

ماده هفتم - ماده ۸۹ قانون ثبت اسناد بطریق زیر اصلاح میشود.

ماده ۸۹ - از در آمد حاصل از حق الثبت صاحبان دفاتر و دفتر یار ها بترتیب زیر سهم خواهند برد تا ششصد ریال در ماه نصف - از ششصد و يك ریال تا چهار هزار ریال نسبت به مازاد ششصد ریال يك پنجم. از چهار هزار و يکریال تا ده هزار ریال نسبت به مازاد از چهار هزار و يکریال يك دهم و از ده هزار و يکریال تا بیست هزار ریال نسبت به مازاد از ده هزار ریال يك بیستم

رئیس - موافقین با ماده هفتم برخیزند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده هشتم :
 ماده هشتم - وزارت دارائی مجاز است اراضی خالصه پشته کوه و لرستان را غیر از آنچه که بموجب قانون مصوب ۲۸ مهر

ماه ۱۳۱۱ تا کنون بطوایف الوار واگذار شده یا خواهد شد طبق مقررات قانون فروش خالصجات و قرضه های فلاحتی و صنعتی مصوب ۱۷ دیماه ۱۳۱۲ بفروش رسانده و بهای آنرا بطوری که قانون مزبور مقرر داشته است دریافت و صرف نماید
 رئیس - آقای فرمائیر مائیان

فرمائیر مائیان - این جا به قانون ۲۸ مهر ۱۳۱۱ اشاره شده است در صورتی که قانون تکلیف را معین کرده است و دیگر در این جا در قانون متمم بودجه چه موردی دارد که ما این جا ذکر کنیم قانونی گذشته است که به چه طریق و بچه ترتیب این خالصجاتی که در پشته کوه و لرستان بوده است به طوایف آن حوزه واگذار شود عمل هم شده است از ۱۳۱۱ تا کنون ده سال گذشته است در قانون متمم بودجه چه لزومی دارد ذکر شود تقاضا میکنم آقای مخبر توضیح بدهند
 رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - عرض کنم خدمت حضرت والا در اظهارات داخلی مجلس شورای ملی هیچ کجا تکلیفی نداریم که قوانین باید از روی مواد خاصی در نظر گرفته شود البته يك موردی پیش آمده است و دولت هم استفاده میکنند از این مورد برای اینکه مورد ابتلاء است و میخواهد باین وسیله يك تسهیلی در کار خودش فراهم کرده باشد بعلاوه از نقطه نظر تشویقی که برای خانه نشینی الوار میخواهند در لرستان کرده باشند چندی قبل قانونی از مجلس گذشت که خالصجات دولتی بین کسانی که خانه نشین میشوند تقسیم شود و برایگان بآنها واگذار شود این عمل جریان داشته و تا حالا هم باقی است و حالا میخواهیم اختیار بدهیم که خالصجاتی که باقی میماند دولت علاوه بر آنها اگر اشخاصی باشند در حیطه لرستان بخواهند بکار فلاحت و زراعت بپردازند بتوانند آن خالصجات باقیمانده را بآنها بفروشند و البته این يك ماده فوق العاده مفیدی است و هر موقعی پیدا شود که بتوانند يك عمل مفیدی را بموجب يك ماده بکنند چنانچه خیلی به وقع است و بمقیده بنده اگر حضرت والا هم موافقت فرمایند خیلی بجا و مفید خواهد بود.

مخبر - آن قانون دی ۱۳۱۲ مربوط بيك قسمت از خالصجات لرستان بوده و این ماده برای این است که در قسمت پشته کوه هم بتوانیم همان عمل را روشن بکنیم.
 رئیس - آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری - این ماده قانونی که در این جا اشاره شده مطابق این قانون به دولت اجازه داده شده است که يك مقدار از خالصجات لرستان را مجاناً و بلاعوض به ساکنین آنجا بدهند يك مقداری را داده اند و بدهم مطابق آن قانون خواهند داد و يك مقدار دیگری هست که غیر از آن مقداری است که مجاناً واگذار میشود حالا دولت اجازه میگیرد که آن مقدار باقیمانده را که مجانی داده نمیشود باشخاص دیگری طبق قانون فروش خالصجات بتواند بفروشد (صحیح است).
 رئیس - موافقین با ماده هشتم برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده نهم :

ماده نهم - وزارت دارائی مجاز است حقوقی را که بموجب احکام قلمی برای دولت در املاک خالصه ای که منال آنها طبق قانون ۲۰ اسفند ۱۳۰۶ فروخته شده مسلم باشد ارزیابی نموده و بهمان بهای مالکین که املاک نامبرده را خریده اند یا قائم مقام آنها با قسط پنج ساله بفروشد.
 رئیس - آقای امیر تیمور.

امیر تیمور - بنده موافق هستم اگر مخالفی هست بعد عرض میکنم.
 رئیس - آقای فرمائیر مائیان.

فرمائیر مائیان - بنده مخالف هستم چون مطالب را بشخصی نمیدهم از چه قرار است این است که از آقای مخبر منما میکنم توضیح بدهند که طبق قانون اسفند ۱۳۰۶ فروخته شده مسلم باشد موضوع از چه قرار است ؟
 رئیس - آقای امیر تیمور.

امیر تیمور - عرض کنم این ماده فوق العاده مبتلا به يك عده زیادی از مردم و اهالی آسیت چندی قبل یعنی در دوره ششم قانونی از مجلس گذشت که دولت منال خالصجات اتمالی را به صاحبان خالصجات بفروشد و آن خالصجات بصورت

املاك اربابی در آمد در طی جریان این عمل وزارت دارائی در يك تاريخى بخش نامه داد به تمام مملکت که امناء و مأمورین مالیه از هر جا که میتوانند باى نحو کان در مقام ازدیاد عوائد دولت بر آیند و این بخش نامه يك تفصیلات زیادى دارد که چه تأثیرات سوئى و چه ضرر هاى بمردم وارد آورد و چه صدماتى بمردم زدو چه اجحافانئى شد که از مورد بحث ما خارج است و در همان مواقع که این خالصجات بصورت اربابى در آمد و اشخاص بیه نیت دادند اغلب امنای مالیه در ولایات بتصور اینککه يك حسن خدمتى بتوانند بکنند و بخرج بدهند که به ازدیاد عایدات دولت يك کمى بشود نسبت به يك ملك خالصه که ملك اربابى شده است و متعلق به جنابعالى بوده است تقاضای نیت میکردند اعتراض میداد که تمام این ملك متعلق بدولت است و روى این اعتراض جریان نیت این ملك موقوف میماند و مى آمد در وزارت مالیه و در محاکمات مالیه و بعد از محاکمات زیاد مثلاً آنها مى گفتند در فرمان ذکر قلا شده و بالاخره رأی داده میشد در این ملك که اربابى شده است قلا آن متعلق بدولت است مثل این است که شما يك خانه خریده اید بعد دیگری مى آید و اعتراض میدهد که آقا این خانه را که شما خریده اید حوس این را در قباله ذکر نکرده اند و باین جهت شما را محکوم میکنند که حوس آب مال دیگری است و باین ترتیب يك مقدارى حقوق از آن خالصجاتى که ملك اربابى شده است بنام دولت نیت شده است و حالا بموجب این قانون بدولت اجازه داده میشود که آن حقوقى که از مالکین سلب شده است و متعلق به دولت است با این که من غیر حق است به همان مالکین فروخته شود بنا بر این بعقیده بنده این ماده يك ماده خيلى مفیدى است و منما میکنم آقا هم موافقت بفرمایند

رئيس - آقای فرمانفرمایان .

فرمانفرمایان - توضیحى که آقای امیر تیمور فرمودند بنظر بنده كافى نیست بعلت اینککه خالصجات انتقالی در تمام مملکت بوده است منجمله بیشتر از همه جای مملکت در آذربایجان

و زبجان است و این مواردی را که ایشان بیان فرمودند از سال ۱۳۰۶ که این قانون گذشته است تاکنون اصلاً بنده ندیده ام ممکن است بعضى چیزها را که استثناء کرده اند من جمله فرض بفرمائید کاروانسراهای شاه عباسى که در نزدیکی املاکى واقع شده بود که جز منال دولتى نبوده و خالصه دولتى بوده است والا در يك ملكى که صاحب آن در تمام جز و آن ملك تصرفات و تصاحب داشته است بنده چنین موردی را سراغ ندارم و ندیده ام که يك چنین پیش آمدى کرده باشد حالا اگر در يك جاهای دیگری بوده است و يك اشکالاتى این امر در بودجه تولید میکنند چون بنده در مذاکرات کمیسیون بودجه شرکت نداشتم این است که این موضوع برای من مشکوک است مگر توضیح بدهند .

مخبر - عرض کنم آقا در قسمت آذربایجان و آنجاها اطلاع دارند ولى در قسمتهای دیگر این موضوع پیش آمده است که منال خالصجات انتقالی را وقتى دولت فروخته است در همان حین یا اشتبهاً یا واقعاً برای خودش قائل شده است یا بعد در حین نیت يك حقوقى برای دولت بعنوان حقوق ارتفاقی شناخته شده و این در عمل برای مالک و دولت تولید زحمت کرده مخصوصاً برای مالکین و بالاخره در قسمت قنوت که يك حقوقى دولت برای خودش قائل است از این جهت تقاضا شده است که مجلس شورای ملی اجازه بدهد که این حقوق ارتفاقی را دولت مثل خالصجات بفروشد دو مرتبه بفروشد و پولى هم دو مرتبه بگیرد .

آقای - دو مرتبه ؟

امیر تیمور - بلى دو مرتبه يك پولى دو مرتبه میگیرند اگر حضرت والا قانع شدند بنده در خارج خدمتشان توضیح کامل عرض میکنم .

رئيس - موافقین با ماده نهم برخیزند (بیشتر قیام نمودند) تصویب شد . ماده نهم :

ماده نهم - وزارت دارائی مجاز است کلیه حقوقى دولت بر املاك خانكهدان و مزارع چرك جلال آباد واقع در دهستان خفر فارس در مقابل ۵۰/۵۰ ریال بر عایای آن محل صالح

نموده و نیز شش دانگ مزرعه باغدانچه خالصه را بمبلغ ۸۵۰۰۰ ریال بآنها فروخته ربع مجموع دو فقره و جوه بالا را که برابر مبلغ ۲۴۱۹۱۰/۱۲۵ ریال است دریافت و بحساب مخصوص فروش خالصجات بتجزایه داری كل بفرستند و بابت مبلغ ۷۲۵۷۳۰/۳۷۵ ریال بقیه هم سند نبتى از رعایا بگیرد که با وثیقه گذاردن عین املاك مورد معامله و بهره سنوائى آن از تاریخ انجام معامله به نسبت قسمت که در حدود ۱۰۳۶۷۵ ریال میشود در مدت هفت سال بپردازد

رئيس - آقای انوار

انوار - موافقم .

رئيس - آقای نقابت .

نقابت - عرض کنم این ماده يك شأن نزولى دارد و محتاج به يك توضیحات مفصلى است از طرف وزارت دارائی زیرا ما قانون فروش خالصجات داریم و بموجب آن قانون خالصه را که میخواهند بفروشند باید بمزایده بفروشند و این جا قید میکنند که فلان خالصه را فلان مبلغ بفروشند چرا ؟ مگر این ملك که تقویم شده قیمتش کمتر از این است ؟ آنچه که بنده بخاطر دارم در کمیسیون بودجه موقعی که آقای بدر وزیر دارائی بودند این ماده مطرح شد و ایشان يك توضیحات مبهمی دادند گفتند که این املاك تبول مرحوم والدشان بوده است و بعد رعایایى عمل در نتیجه يك كردن كلفتمى هاى تصرفائى در آن کرده و بعد وزارت دارائی موفق نشد حساب رعایایى آنجا را تصفیه کند باین جهت از صورت تیولبى هم خارج شد و حالا برای اینککه اینها را ساکت کنیم چاره این است که بآنها بفروشیم آنچه که بنده بخاطر دارم این چند جمله است و بعد این ماده هم رأى گرفته شد و ماند برای جلسه بعد هم تفهیمیدم که چه توضیحات داده شد در موقع رأى گرفتنش بنده حاضر نبودم و همینطور بصورت مبهم گذشته است آنراورى که ایشان توضیح دادند ارزش این ملك بیش از اینها است و در حدود يك میایون تومان قیمت دارد چرا باید باین قیمت بفروشند این بیکشاهى و صد دینار که در بقایایى این ارقام است از

کجا است اینها محتاج بيك توضیحات مشروح و مفصلى است که مجلس شورای ملی قانع بشود که بچه مجوزى اجازه بدهیم ملك دولت را بيك قيمتى آهيم بيك اشخاص مبهمی بفروشند؟ گفته میشود زارعین آنجا این اشخاص كى هستند اسامى شان چیست چه چیزى اجازه میدهد بآنها بفروشند ؟ این باید تشریح شود . و چون تصور میکنم که آقای وزیر بازار کابى مبسوطاً از جریان این کار اطلاع نداشته باشند همانطور که ماده يك و سه برای يك مطالعاتى ماند بنده تقاضى مى کنم این ماده هم بماند تا اینکه آقای وزیر دارائی تشریف بیاورند در این خصوص توضیح بدهند و حالا ماده بعد را بخوانیم و رد بشویم

مخبر کمیسیون بودجه - عرض کنم مجلس اگر بخواهد این ماده بماند بنده عرضى ندارم ولى در جلسه اى که آقای نقابت فرمودند در جلسه بعد کمیسیون که تشریف داشتند توضیحاتى آقای وزیر دارائی دادند . موضوع همانطورى است که خودتان يك قسمتش را فرمودید این املاك بیش از این مبلغ ارزش دارد لکن سالها است در دست عده اى از رعایا وزارت عین است که عمل کرده و میکنند و دولت هم اگر بخواهد با اینها وارد مباحثه این کار بشود شاید محتاج بيك محاکمات دور و دراز و بعد هم يك زحمت هاى است که برای زارعین فراهم میشود . اصل قضیه این است که مطابق قانون فروش خالصجات اینها را نمیتوانند بفروشند و بآن ترتیبى هم که آقا فرمودید و باید بمزایده بگذارند در مزایده هم لازم نیست که رعیت حتماً بخرد دیگران هم ممکن است بخرد این است که نظر باینککه دولت خواسته است آن رعایا که این املاك در بدشان است و استفاده نمیکند آنها ببرد باینجهت آمده اند ارزیابى کرده اند و يك قيمتى را رویش گذاشته اند و باین قیمت حداقل گفته اند که بسا کثین و زارعین آنجا بفروشند و بعقیده بنده این يك عمل خوبى است برای اینککه يك عده مردمى هستند که سالها است در آنجا رعیتى دارند زراعت دارند فروش بدیگرى ممکن است آنها را دچار زحمت بکنند و برای دولت هم زحمت فراهم کند از این نظر نظر دولت در این موقع این بود که با اینککه این املاك ممکن است در

مزایده قیمتش بیشتر بشود ولی برای رفاه حال این مردمان که در دستشان است با این مبلغی که ارزیابی شده بآنها فروخته شود که ارفاقی بآنها بشود.

امیر تیمور - اجازه میفرمائید.

رئیس - آقای معذل مقدم هستند.

معذل - بنده این نقاط را دیده ام و حقیقت قضیه اینست که این نقاط اصلاً بدست این رعایا ایجاد و آباد و احداث شده است و اصلاً دولت باید بداند که مالک دیگری غیر از اینها در اینجا مالکیت ندارد برای اینکه این رعایا رفته اند در کوهستان و در میان سنگستان زحمت کشیده اند و سایل از جا های دیگر برده اند آنجا را آباد کرده اند حالا یک حاکمی یا یک ظالمی يك وقتی بيك وسایلی رفته است آنجا از آنها يك مالیاتی گرفته است بعد دولت رفته است تصرف کرده است املاك آنها را و آنچه را که او بعنوان سرانه یا مالیات می گرفته آن را دولت هر ساله می گرفته است و بعد باین صورت در آمده است که دولت تصور کرده است این در آمدی که از اینجا می گرفته بهره مالکانه است و از این جهت اینجا را خالصه تلقی کرده است. حقیقت قضیه این است که يك عده مردم بیچاره با کدّ یمین و غرق جبین رفته اند آنجا را احداث کرده اند و این ملک طلق آنها است و اگر مجلس شورای ملی با نظر دولت موافقت بکنند بنظر بنده مساعدتی با دولت کرده است نه اینکه ارفاقی برعایا کرده باشد در حالی که ما بطور کلی و اساسی بایستی این عقیده را داشته باشیم که هر چه نمیتوانیم بر خرده مالکین بیفزائیم و يك کاری بکنیم که آنها را که بیل بدست دارند و خودشان زراعت میکنند و کشاورزی میکنند مالک آن قسمت از اراضی بشوند که میتوانند آباد نگاه دارند بهترین قسم این لایحه ای که آمده و بهترین پیشنهادی که دولت کرده همین يك ماده است

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - عرض کنم موقعی که این قضیه در کمیسیون بود چه مطرح شد در دو جلسه بود اولاً آقای بدر نگفتند که این قبول مرحوم والد ایشان بوده است

ایشان گفتند که در زمان آصف الدوله شیرازی که جد ایشان بوده است دولت خواسته است بآصف الدوله شیرازی بدهد رعایا از همان تاریخ ادعای مالکیت میکنند تا بحال هم دولت موفق نشده است در آن جا سلطه و نفوذ خودش را بکار ببرد در حقیقت آنچه از توضیحات ایشان مستفاد میشد این است که دولت حق ندارد و این چیزی را هم که در این ماده گذاشته شده که دولت از آن رعایا بگیرد در حقیقت يك شلتافی است که میشود و حق ندارد و بنده عقیده دارم که دولت نباید اصلاً مزاحم آنها باشد و املاك رعایا همانطور در دست خودشان باقی باشد ولی حالا که دولت این پیشنهاد را کرده است از نظر اعتماد بدولت که يك همچو پیشنهادی را کرده است باید موافقت کرد که این مبلغ مختصر از رعایا گرفته شود ملک هم مال آنهاست و ماده هم فوق العاده ماده مفیدی است برای يك شخص هم نیست هزارها مردم آسوده میشوند استعفا میکنم آقای نقابت که همیشه مدافعه از رعایا و مظلومین میکنند موافقت بکنند که این خیر يك عده ایست

رئیس - آقای منشور

منشور - از توضیحاتی که آقای معذل دادند معلوم میشود که این املاك بدولت تعلق نداشته است و اشخاص خودشان آباد کرده اند و حالا دولت میخواهد بآنها بفروشد. این سابقه را که ما میگذاریم با این ماده سابقه بدی است که ملک اشخاص را دوباره بهشان میفروشیم در صورتی که اگر متعلق بخودشان است باید مجازاً و بلاعوض بآنها داده شود علیهذا بنظر بنده آوردن این ماده در مجلس مزاحمت با حقوق اشخاص خواهد کرد. هر کس که ملکی را آباد کند متعلق بخودش است مطابق اصول و قانون مدنی ولذا بنده بنظرم میآید که این ماده بیدهورد است

مخبر - عرض کنم این ماده و این نظر دولت خودش با موافقت نظر زارعین است و آنها همینطور موافقت دارند خواهش میکنم آقایان موافقت بفرمایند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود

پیشنهاد آقای هاشمی

بنده پیشنهاد میکنم این ماده بماند برای جلسات بعد

رئیس - آقای هاشمی

هاشمی - توضیحاتی که داده شد در واقع بنده که

قانع شدم يك چیزی که از زمان مرحوم آصف الدوله پنجاه شصت سال هفتاد سال محل نزاع بین مردم و دولت بوده است بنده ندانسته يك مرتبه بلند شوم رأی بدهم عندالله نمیتوانم رأی بدهم این است که بگذارند برای جلسات بعد يك تحقیقات بیشتری از وزیر دارائی کنونی میکنیم آوقت از روی علم هر و یقین رأی میدهم

رئیس - بعد از اینکه آقای مخبر اظهار کردند که با

توافق و رضایت خود زارعین این ترتیب داده شده است همه

کس میتواند رأی بدهد

پیشنهاد آقای نقابت

پیشنهاد میکنم ماده ده از دستور خارج و برای جلسه

آینده بماند.

رئیس - آقای نقابت

نقابت - عرض کنم اهمیت قضایا از دو نظر است یا از

نظر رقم و عدد و قیمت است یا از نظر موضوع حق است بنا

بر این این قضیه از هر دو لحاظ قابل توجه است زیرا ۸۸۲۶۴

تومان يك رقم ۸۵۰۰ تومان يك رقم و دورقم دیگر در حدود

صد هزار تومان اینجا قیمت معین کرده اند و آقای وزیر دارائی

رفت آقای بدر در کمیسیون گفتند که این بیش از يك میلیون

تومان ارزش دارد الآن یکی از آقایان نمایندگان فارس

به بنده گفته که این املاك خفر فارس موقوفه شاه چراغ

است. آقای معذل میفرماید این املاك را دیده ام بنده که

ندیده ام دیدن آقای معذل یا بنده هم کفایت به تأمین حق

موضوع نمی کند. این ملک اگر مال مردم است قوه قضائیه

صلاحیت دارد اینطور اظهار عقیده بکنند بگوید این ملک

مال مردم است بهشان بدهند احیای موات شده است خودشان

احیاء کرده اند مال آنهاست مطابق قانون مدنی يك رسیدگی

قضائی اجازه میدهد که بآنها بدهند ولى اگر مال دولت است چنانچه بنا بسابقه خالصه بوده است و مال دولت است که اینجور نباید مال دولت را فروخت بهر صورت چه از نظر حق و چه از نظر رقم این قضیه اهمیت دارد و يك سابقه ای گذاشته میشود. فرمودند که این توافق با نظر رعایا شده است مگر دولت حق دارد هر جائی با رعایائی هر عملی يك توافق با رعایا بکنند مجلس هم رأی بدهد بآن توافق اخیر دولت حق دارد بمراجع قضائی مراجعه کند ایجاد يك حکمی بکنند و بارعایائی محل توافق بکنند و رسیدگی بشود و دعای آنرا بصلح و غیر ذلك خانم بدهد. مجلس مطابق اصول میگوید ملکی که مال دولت است طبق قانون اساسی نباید بکسی داد دیگر بموجب قانون، قانون هم قانون فروش خالصجات است. استثنائاً شما يك ملکی را که يك میلیون تومان می ارزد بصد هزار تومان میخواهید بدهید چرا؟ اگر حق دارند شما چرا حق آنها را نمیدهید؟ ما که مزاحم آنها نیستیم. اگر حق ندارند چرا اینجور بفروشیم؟ اگر بعنوان صلح است کدام رأی محکمه یارای حکمیت دنبال این قضیه است؟ در هر حال بنده عقیده دارم بماند تا بعد قضیه روشن بشود

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - البته هر تصمیمی که مجلس شورای ملی بخواهد نسبت باین قضیه بگیرد بنده عرضی ندارم هر طور تصمیم بگیرد همانطور عمل خواهد شد اما اینکه پیشنهاد کردند که این ماده بماند برای جلسه آتی خواستم عرض کنم در جلسات آتی هم آقای وزیر دارائی تشریف می آورند جز آن دوسیه ای که آقای وزیر دارائی سابق آورده اند و توضیحاتی که داده اند آقای وزیر دارائی فعلی هم توضیحات بیشتری نخواهند داد. باصل موضوع همان است که بمرض آقایان رسیده است اگر مجلس شورای ملی موافق است که هیچ واگر تصور میفرمایند مجلس شورای ملی با این تصمیمی که دولت گرفته است موافقت ندارد مختارند، بنابراین بنده خواستم عرض کنم که مادامی که برای جلسات بعد مورد ندارد. اما این تفکیک هم که حضرتعالی در شئون مختلفه خالصه فرمودید اینهم باین قطعیت نیست البته اگر

خالصه بودنش محرز بود مشمول آن مقررات بود ولی اشکال در این است که يك عده از رعایا عقیده شان بر این است که اینجا ملک طلق خودشان است و دولت هم بنا بر اسنادی که دارد آنجا را خالصه میدانند حالا چطور باید بفروشند و چطور باید بوزاید بگذارند یا بگذارند بدار کیست؟ در مملکت ما آخر غیر از مقررات عادی مردم يك ایمان قلابی هم دارند اگر خریدار بماند که رعایا اینجا را ملک خودشان میدانند ولی دولت خالصه میدانند و میخواهد حتی المقدور بوزاید بفروشد اصلاً نمیخردند میگویند ملک مردم است ما نمیخریم بنابراین مزایده و آن ترتیب در باره این املاک قابل اجرا نبوده است دولت در باره فروش خالصجات خودش رجوع نکرده است بيك رقباتی هم میگویند مبلغی که ما سالیانه از این ملک میگیریم بعنوان منال است چیزی که اسمش را منال گذاشته ملک دولت است در صورتیکه این آقایان میگویند که اینجا ملک ما است و ما مالیات میدادیم، حالا برای رفع اختلاف این ماده را اینجا آورده اند اگر تصویب فرمودید رفع این اختلاف میشود اگر تصویب نفرمودید این اختلافات مثل سابق باقی میماند. مثل سند مالکیت به دولت میتواند بکیرد و نه رعایا. رعایا میخواهند سند مالکیت صادر بکنند دولت معترض است، دولت بخواهد سند مالکیت صادر کند رعایا اعتراض میکنند. بالاخره در این مورد نظر دولت بر این شد که از لحاظ تأمین يك اصل اساسی که هر چه مالک خرده در مملکت زیاد بشود بهتر است دولت آمده است به موجب قوانین خالصجات را مجاباً ب مردم واگذار کرده است و اینجا که يك مبلغ مختصری میخواهد بکیرد و خودشان هم رضایت دارند نقاضی میکنم تصویب فرمایند و موکول به جلسه بعد نکنند.

رئیس - آقای انوار.

انوار - در پیشنهادات بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای معذل.

جمعی از نمایندگان - مذاکره در پیشنهاد است.

نمیشود چند نفر صحبت کنند.

معدل - توضیحاتی را که بنده عرض میکنم آقایان بهتر روشن و بینامید شوند و رأی را که میدهند دانسته و فهمیده خواهد بود باینجهت ما نباید از نظر تشریفات حقیقت را از میان ببریم یعنی برای اینکه فرض کنیم نظامنامه هم اینطور گفته است معطل را که روشن نشده رأی بدیم برای اینکه تشریفات بعمل بیاید. این نقاط يك نقطه ای است که کوهستانی است مردم آنجا بلند شده اند رفته اند بدست خودشان این جاها را آباد کرده اند اهالی آنجا باین دلیل مدعی مالکیت هستند و خودشان هم میتوانند در محل بنمایند کان دولت ثابت کنند. الآن هم آن خاکها و اراضی مجاور آنجا را که دارند آباد میکنند نشان میدهند که ما داریم این کار را میکنیم، دولت هم در این باب سندی ندارد از آن اشخاص که بدولت منتقل شده همیشه هم بین دولت و اینها سابقه نزاع و سابقه ندادن مالیات و ندادن بهره مالکانه وجود دارد. تمام اینها بوده است اما بزرگترین مشکلی که امروز رعایا دارند و مجلس شورای ملی باید بآن توجه بکند و با توجه بآن نکته رأی مقتضی بدهد این است که رعایا بکجا شکایت بکنند؟ محکمه دولت محکمه عمومی نیست، اینها بداد گسترده نمیرود به محکمه خصوصی میروند آقا؛ یعنی قاضی باز همان مأمور مالیه است! نظر باینکه ما برای اینکه آثار گذشته را محو کنیم قدمهای اساسی را برداشته ایم ناچار میشویم در هر قانونی این مسئله را بدولت تکرار کنیم که آقا اگر میخواهید وضع گذشته عوض شود قانون گذشته را عوض کنید این بست و بندها که در دوره گذشته ایجاد کردید اینها را بردارید این محاکم خصوصی مثل دیوان کیفر مثل دیوان دارائی اینها را موقوف کنید تا وقتی که اینها را موقوف نکنید در هر قدم ما با آن مشکلات مواجه هستیم يك مشت رعیتی که درسی چهل فرسخی شهر شیراز سکنی دارند اینها نه قاضی دارند نه وکیل عدلیه میتوانند بگیرند نه به قوانین آشنا هستند هزاران هزار مشکل دارند عده جمعیتشان زیاد و صرف برایشان نمیکند که بیایند از اینکار دفاع کنند تازه محکمه هم محکمه اختصاصی است در تحت نظر وزارت

دارائی و هر قدر هم که بگوئیم وزارت دارائی اعمال نفوذ نمیکند البته امیدوارم آنها را محکوم کنید ولی البته خرج دارد برای رعایا و اگر حقیقتش را میخواهید که این ملک این رعایا است که با دست خودشان اینجا را آباد کرده اند حرف حسابی هم که یکی از آقایان نمایندگان میگفتند این بود که میگویند این کار را تصفیه نکنند و همینطور این مسئله بماند و دولت از این حق حاکمیت خودش استفاده بکند و این حق هم بهشان داده شود و تا این حد هم ارفاق بهشان نکند.

رئیس - پیشنهاد آقای نقابت اینست که بمسئله برای جلسه بعد آقایانی که موافقت بر خریدند (عده ای برخاستند) تصویب نشد. پیشنهاد دیگر

پیشنهاد آقای فرمانفرمایان

اصلاح ماده - در صورتیکه جزو رقبات موجوده در خزانه دولت اسامی این قری بخالصگی ثبت است مطابق قانون فروش خالصجات عمل بشود.

فرمانفرمایان - بنده با توضیحی که آقای معدل دادند پیشنهاد خودم را مسترد میکنم.

رئیس - رأی میگیریم باصل ماده دهم آقایان موافقین بر خریدند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده یازدهم قرائت میشود.

ماده ۱۱ - وزارت دارائی مجاز است در مواردی که مقتضی بداند جرائم و زیان دیر کرد مالیاتهای غیر مستقیم را که مؤدیان بجهایی موفق نشده اند در سر رسید مقرر مالیات خود را پردازند بخشوده و از این اختیار نسبت به ۱۳۲۰ نیز میتواند استفاده نماید.

رئیس - موافقین با ماده یازدهم بر خریدند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده دوازدهم

ماده دوازدهم - از نظر پیشرفت امور کشاورزی و رفاهیت حال کشاورزان و رعایا مجلس شورای ملی بوزارت دارائی مینماید بموجب ماده ۷ قانون متمم بودجه ۱۳۲۰ کلیه بیابانی تا آخر سال ۱۳۱۹ املاک و مستغلات و باغات خالصه

دولتی و رودخانه ها و مراعی و جنگل و انخیلات و اقامات در تمام کشور و همچنین بندر و حق الارض و پیش پرداخت مربوط بخالصه های مزبور اعم از آبهائی که از مجاری قانونی و دادگاه های مربوطه مورد تعقیب واقع و دادنامه قطعی رسمی راجع بآنها صادر شده و یا نشده باشد بترتیب زیر تصفیه نماید:

۱ - بقایای بدهکاران خالصه از اجاره بها و حق الارض و آب بها و بندر و مساعده و غیره در صورتیکه مجموع بدهی سنواتی آنان نقداً و جنساً از ده هزار ریال تجاوز ننماید از دفاتر مربوطه حذف شود.

۲ - بدهی اشخاص که میزان کل آن از ده هزار ریال تجاوز نکند طبق ماده ۷ قانون متمم بودجه ۱۳۲۰ رسیدگی و واریخت گردد.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده موافقم.

رئیس - آقای انوار

انوار - بنده موافقم.

رئیس - آقای فرمانفرمایان

فرمانفرمایان - این ماده از نظر ارفاق است و ضروری هم ندارد ولی مسئله خیلی مبهم است و اینجا معلوم نیست آن چیزی را که مجلس شورای ملی میبخشد بزارعین میبخشد یا مثلاً فرس بفرماید اشخاصی هستند که مستأجر خالصه اند و این دهات خالصه را اجاره کرده اند و استفاده هائی هم بردماند و البته يك بدهیهائی هم پیدا کرده اند، امروز این بدهی زارع خالصه مورد مذاکره است و بعنوان زارعین خالصه است در صورتیکه مستأجر خالصه ابتدا ارتباطی بزارع ندارد و مستأجر ممکن است ابتدا مستحق این ارفاق نباشد و در آبادانی مملکت هم وجهه او تأثیری نداشته باشد.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنظر بنده همینطور که بخود آقای

فرمانفرمایان فرمودند این يك ارفاقی است بزارعین و در

ماده هم تصریح شده است و همینطور که خودشان اظهار

کردند بزارعین تخفیف داده میشود از این نظر نظر آقا
تأمین شده است و یکی از مواد خوبی است و کمکی است
بآنها که دائماً مورد مطالعه مأمورین مالیه است. این را
دولت پیشنهاد کرد کمیسیون بودجه هم موافقت کرد مجلس
هم البته باین نظر موافق است.

رئیس - آقای دهستانی.

دهستانی - برای اینکه مطلب تا حدی روشن باشد
لازم میدانم شرح این بقایا و این بدهی خالصه را بعرض
نمایندگان محترم برسانم. از تاریخ ۱۳۱۰ تا امروز یازده
سال است که دولت مطالباتی از زارعین خالصجات دارد که
یک قسمت عمده این دهات را که در اطراف شهرستانها بوده
است و فروخته است و یک قسمت کمی باقی است.

برای وصول این بقایا در این مدت ده سال ابتدا عده مأمور
همه ساله بقرء و بدهات می فرستادند برای وصول این مطالبات
پس از اینکه خرجهای زیادی شد و مطالبات وصول نشد در
طرف این چند سال اخیر هم تقریباً پنج یا شش سال
کمیسیونهایی بدهات میفرستادند که یک ترتیبی برای وصول
این بقایا بدهند متأسفانه ۱۰ برابر آنچه وصول شد بلکه
بیشتر خرج شد یعنی اگر یک تومان وصول کردند ۱۰ تومان
مخارج کردند و علت هم عدم بضاعت بدهکاران بود صرف نظر
از اینکه خرجهایی شد و وصول نشد هر ساله هم چند مرتبه
هر فردی اعم از اینکه ۵ ریال یا ۵۰۰ ریال بدهکار بود یک
ماه از زراعتش از رعیتی اش بی کار میشد یا در توقیف بود یا
در محاکمه تا اینکه از او چیزی وصول بکنند و متأسفانه
وصول هم نشد آقایان ملاحظه فرمایند که شرح وقایع
چوبست میفرمایند خوب یک ملاحظه کرده اند یک اجاره
کرده اند باید مال دولت را بدهند اجازه بفرمائید شرح و
منشاء این بقایا را عرض کنم شرح آن بطوری است که عرض
میکنم یک قسمت بذر و مساعده بوده است که بتوسط مباشر
به کشاورزان بی بضاعت میداده اند. آقایان یقین فرمایند که
در طول مدت ۱۰ سال هر ساله در سر خرمن این گندم را پاک
و بدون خاک از مردم و زارع بیچاره گرفته اند و دوباره با ۱۰

الی ۲۵ در صد خاک باو داده اند وقتی که در این ده سال
حساب کنید در مقابل هر باک خروار یعنی صد من گندم
صد و پنجاه من از او گرفته اند. یک قسمت اعظم از این
رعایا ایندهستی ساقط شده اند یک قسمت بعمله گری رفته اند
یا ترک دهات را کردند و قسمت دیگر هم همینطور مرده اند
و ورثه آنها معلوم نیست کیست و همه ساله هم دولت وقتی را
تلف میکنند و دردهات اسباب مزاحمت مردم میشود و مطالبه
بقایا را میکنند. یک قسمت دیگر مال الاجاره بود در این
مورد دو عمل در دهات جریان داشت یکی اینکه موقع
اجاره بندی مأمورین دولت یک دو نیت و اختلافی بین زارعین
ایجاد میکردند و البته تمایل را هم بیک طرف میدادند و اگر
این دو نیت در آن ده وجود پیدا نمیکرد یک مخالف ثالثی در
جای دیگر برای آن رعایا میترانیدند و فشار می آوردند و
بهدید میکردند تا ناچار شوند اجاره بکنند در هر حال بطور
اجبار این عمل را زارع میکرد و اجاره میکرد و البته معامله ای
که باین طریق بشود آن زارع کسر می آورد آنوقت یک
معامله دیگری شروع میشد و بایستی بابار تحویل بدهند
و بطور قطع از صدی ده تا صدی ۲۵ از گندم شان در انبار
کسر میشد و در اثر این اجحافات مستأجرین هم یک بقایا و
بدهکاری بدوات پیدا کردند در این مدت ۱۱ سال همینقدر
بقایان عرض میکنم که شاید بخواهیم هنگفتی خرج شده و
این بقایا وصول نشده است بنابراین بنده میخواهم از آقایان
سنتی کنم که این ۱۳۱۹ را ۱۳۲۰ بکنند برای اینکه در
حقیقت استخوان لای زخم نباشد و مخارجی را که دولت
میکند کاملاً از بین برفته باشد و مستخدمین هم بتوانند بطور
قطع این دفاتر را به بندند توضیحات دیگری هم دارم که در
قسمت خودش بعرض آقایان میرسانم.

رئیس - آقای انوار.

انوار - بنده گمان نمیکنم که آقای دهستانی مخالف
باشند که بنده توضیحی بدهم میگویند من موافق هستم
باینکه ۱۳۱۹ را ۱۳۲۰ بکنند نه اینکه مخالف باشند
میگویند بجای ۱۳۱۹ ۱۳۲۰ باشد بنده هم با این عقیده

ایشان موافق هستم.
رئیس - آقای اوحدی شما موافقت یا مخالفت؟
اوحدی - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید

اوحدی - این ماده را بچند قسمت میشود تجزیه کرد
یک قسمت اینست که این بدهی و بقایا مربوط به رعیت باشد
و یک قسمت اینست که این بدهی و بقایا هر چه میخواهد
باشد مربوط به مستأجر باشد که آن مستأجر خودش جزء
رعایا نباشد یک قسمت دیگرش هم این است که برای وصول
این بقایا بداد گاه رفته باشد و حکم قطعی هم صادر شده باشد
یک قسمت دیگر هم اینست که بداد گاه رفته باشد ولی هنوز
حکم قطعی صادر نشده باشد این میشود چهار قسمت بنده با
در قسمت از این چهار قسمت جداً مخالفم قسمت اول اگر
بدهکار یک شخص مستأجر خارجی باشد کائناً ما کان از هر
بابت هم باشد من مخالفم که بدهی او بخشیده نشود یک قسمت
دیگر آن قسمتی است که داد گاه حکم قطعی صادر کرده باشد
این هم دیگر موردی برای آن باقی نمانده است. در قانون
هست که حکم محکمه را هیچ مقامی حق ندارد از بین ببرد
مگر یک قانون دیگری حالا هم مجلس شورای ملی بعقیده
من مقتضی نیست که یک قانونی اینجا وضع کند که آن
قانون را لغو و متزلزلش بکند باین جهت بنده معتقدم که این
قانون اصلاح شود زیرا دولت نظارش ارفاق به رعیت و زارع
است میخواهد اگر یک رعیتی بدهکار باشد و او تعدیل هم
شده باشد در داد گاه باو ارفاق بکند در صورتیکه این نظرها
دارد هیچ موجب ندارد که بکنفر خارجی که بعنوان مستأجر
میآمده هم رعایا را اذیت کرده و هم مال عموم ملت را که
بنام دولت گرفته میشود برده و خورده ما بیائیم بگوئیم که
آقا هر چه بردهای توش جات بسیار خوب بروی کارت بنابراین
عقبه ام این است که این عبارت حکم رسمی و داد نامه
رسمی صادر شده باشد از این ماده حذف شود و همچنین قید
شود که بدهکار زارع باشد اگر این طور شد آنوقت بنده
موافقت میکنم

مخبر - عرض کنم که مقدمه ماده ۱۲ را اگر آقای
اوحدی میخواهند ملتفت میشدند از نظر پیشرفت امور
کشاورزی و رفاهیت حال کشاورزان بوده است پس منظور
کشاورزان است اینجا و صحبتی از موجر یا مستأجر و این
حرفها نیست صحبت از کشاورز است و میگوید رفاهیت حال
کشاورزان صحبت مستأجر نیست صحبت سر کشاورز است
پس باین ارفاقی که دولت میخواهد بکند صرفاً برای رفاه
حال کشاورزان است موافقت بفرمائید صحبت مستأجر نیست
و بعلاوه حد اکثر مبلغی که میخواهد بگذرد ۱۰ هزار ریال
است هزار تومان است پس اینجا هم همانطور که آقای دهستانی
هم توضیح فرمودند بیشتر می رود روی زارعین دولت هم دهات را
بخود زارعین اجاره میداد اجاره رسمی را هم از آنها میگرفت
غالباً هم بیشتر دهات تهران بخود زارعین آن جا اجاره داده
میشد (اوحدی - اینطور نیست خارجی هم اجاره کرده است)
فرمانفرمائید آقایان - زارع چطور اجاره میکرد هزار تومان؟
مخبر - آقا اینطور است که فقط هزار تومان آقای
فرمانفرمائید بلکه ۱۰ هزار تومان هم اجاره کردند و خود
زارعین در خالصجات بین خودشان تقسیم کردند و ۱۰ هزار
تومان و ۲۰ هزار تومان هم اجاره می کردند حالا یک بقایایی
دارند که نمیتوانند بپردازند ندارند حالا بگذارند بروی کارش؟
بنده از این جهت تعجب میکنم که با اینکه دولت میخواهد
بازارعین موافقت بکند آقایان مخالفند.

رئیس - آقای انوار

انوار - این ماده یک ماده ایست که تمام صحبت میکنیم
که باید کمک و مساعدت و تقویت کنیم کشاورزان را زارعین
را ولی بهر قسمتی که میسرند میگویند نه نه نه آخر اینکه
نمیشود آقا آخر آقایان این رعایای ایران را همه ان تصدیق
دارید همه شان امروز مغلوب و مستمندند خدا میداند این
رعایا حالا یک بقایایی دارند که دولت از آنها طلب دارد با
آن حساب سازبهایی که در ادارات مالیه می شده و خود آقای
دهستانی بعرض مجلس رساندند که یک عملیاتی شده است و
رسیدگی هالی شده است و مخارجی شده است همه آنها برای

این کار بوده است که بريك رعیتی تحميل کنند و خفه کنند مردم را حالا دولت خواسته است که ارفاقی بکنند دولت میخواهد در این مجلس شورای ملی دمو کراسی نسبت برعایا و کشاورزان همراهی کند يك نفر میگوید مجلس حق ندارد حکمی که از محکمه گذشته است بهم بزند مسحتت بهم زدن حکم نیست آقا و يك نفر دیگر می آید و می گوید دولت چرا می خواهد باین کشاورزان و رعایای معتمد همراهی کند (خنده نمایندگان) آقایان اینجا نوشته است نسبت بکشاورزان نسبت برعایای بدبخت نسبت بکسانی که دستشان پینه دارد همراهی شود. این چه عیبی دارد؟ عرض کنم آقای دهستانی نظر داشتند که تا ۱۳۲۰ این عمل بشود بنده هم کاملاً موافق هستم با آقای دهستانی برای اینکه مردم را اجازت بدهند از دست مأمورین دولت و مردم آسوده باشند. این بقایا را دولت باین ترتیب تصفیه بکند بهتر است از اینکه ما بگذاریم استخوان لای زخم باشد این رعیت بیچاره این مستأجر بیچاره آقا مگر مستأجر ایرانی نیست مگر ایرانی را نباید رعایت کنیم نه این که الان مالیات برارزاق است. همه مالیات میدهند نه این که بريك طبقه باشد بريك طبقه دیگر نباشد ما همه میدانیم و میگوئیم که تا هزار تومان نسبت به این رعیتی که میگوئیم طرفدارش هستیم نسبت باین شخصی که میگوئیم طرفدارش هستیم میگوئیم دولت بیاید و تصفیه کند و ارفاق کند نه اینکه این را از جیب خودش در بیاورد و بدهد نه والله این طور نیست با اندازه ای که رعایا اینجا از بقایا حساب دارند تصفیه بشود. از ۱۳۲۰ و خاتمه داده شود بدهم بقریب مرتب به ترتیب منظم اجاره داده شود و بقریب منظم اجاره گرفته شود این اولاً و ثانیاً خود آقایان کاملاً تصدیق دارند که در دوره های سابق قدرت و قوه مأمورین بچه اندازه بود که يك نفر مأمور دولت مالک جان و مال و همه چیز مردم بود رعیت بود همان مأمور مالیه همان مأمور خالصه بهر جور کیف ما بیاد مداخله می کرد و در مال آنها در جان آنها سند میگرفت تا حالا و امروز ما آمده ایم آقا تازه آمده ایم خدا خواسته است اگر بگذاریم نفس راحتی آن بیچاره ها بکشند

آقا چرا نمیگذارید که راحتی برای بدبختها فراهم بشود بگذارید يك نفسی راحت بکشند چرا میگذارید يك نفس راحتی آنها بکشند و مانع می شوید چیزی هم نیست آقایان تا ۱۰۰۰ تومان است این را وار بخت بکنند این عبارت هم از لغات تازه فرهنگستانی است این را باید وار بخت بکنند تا يك نفس راحتی این رعایا بکشند این چه عیب دارد که ما کردن بکشاورزان پس چه چیز است غیر از این؟ اعانت به کشاورزان چه چیز است غیر از این است که ما آنها را فارغ البالشان کنیم و بگذاریم که راحت باشند که دیگر دو مرتبه از این دیوان کيفر از این محکمه مالیه این را توجه بکنند مگر گفتیم حالا هم آقای معدل گفتند تا وقتی که دیوان مالیه و دیوان کيفر است عدالت شامل حال این مردم نمی شود برای اینکه در آنجا عدالت رعایت نمی شود و نظر دولت بهمان حال سابق باقی است و همان نظر را تعقیب میکنند بنابراین آقایان يك توجهی بفرمائید و موافقت کنید این ماده ضرری هم بر دولت نیست ترحم هم هست برعایا و راجع بران بعهیده خودمان بکارگران بعهیده خودمان و مستمندان بعهیده خودمان است (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ بجای آخر سال ۱۳۱۹ نوشته شود ۱۳۲۰ دهستانی

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرض کنم که این ماده یکی از آن کارهای خوبی است که دولت میخواهد بکند یعنی خرج نمی کند و منتهی هم بس بريك مشت زارعین میگذازد. بنده که عرض کردم از ۱۳۲۰ از لحاظ این است که قبلاً هم توضیح دادم همان دفتر بقایا. چون قسمت عمده اینها فروخته شده برای آن دفتر بقایا که این مخارجات که از بودجه دولت و خزانه مملکت خرج میشود دیگر بیخود مصرف نشود حالا آقایان مخبر و وزیر پیشه و هنر قبول میکنند چه بهتر اگر قبول هم نمی کنند مختارند.

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - بنده خواستم بگو

توجهی بفرمائید اینجا صحبت کشاورزان و رعایا است و راجع به بدهی است که بدولت پیدا میکنند. در باب عمل کشاورزی شان تا آخر سال ۱۳۲۰ که میفرمائید این مشکل است. تشخیص دادش یعنی عمل کدام سال است؟ عمل کشاورزی که تا آخر اسفند خاتمه پیدا میکند تا آخر اسفند معلوم نبوده است که فلان رعیت فلان ده تا آخر اسفند ۱۳۲۰ بدهی دارد یا ندارد و اینجا باید در ۱۳۲۱ معلوم شود بنابراین این اینطور موافقت بفرمائید که تا همان سال ۱۳۱۹ باشد و این آخرین ارفاقی است که برای تا سال ۱۳۱۹ معین شده و پیشنهاد شده است و این که در این جا معین کرده ایم که از بابت ۱۳۱۹ از بابت عمل کردش ۱۳۱۹ است که معین شده است و بهتر است که مسترد بفرمائید.

دهستانی - اجازة میفرمائید؟ عرض کنم قسمت مطالباتی که ملاحظه میفرمائید این چیزی نیست که پارسال ایجاد شده باشد این چیزی است که از سال ۱۳۱۰ همه ساله سند تجدید شده تا رسیده است باین صورت بنده این را برای توضیح عرض میکنم معینا اگر میفرمائید استرداد میکنم.

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - اگر مربوط بسال ۱۳۱۹ است در همان سال حقیق گرفته شده است.

رئیس - پیشنهاد آقای فرمانفرمایان:

بند ۱ و ۲ چنین اصلاح شود

بقایای کشاورزان ساکن قراء خالصه از اجاره الی آخر

بند ۲ - بدهی کشاورزان ساکن قراء خالصه که الی آخر فرمانفرمایان

فرمانفرمایان - عرض کنم در قسمت اول ماده میگوید: از نظر پیشرفت امور کشاورزی این صحیح است معذک بعد دیگر هیچ جا اسم کشاورزان نیست. در بند اول مینویسد بقایای بدهکاران ممکن است بدهکار بنده و آقای دهستانی باشیم پس این مربوط به کشاورز نیست همینطور در بند ۲ نوشته شده اشخاص اشخاص کلمه اعم است و حال آنکه کشاورزان ساکن قراء خالصه مقصود است. دولت امروز مثلاً فرض بفرمائید با مجلس شورای ملی ابا و امتناعی ندارد

که بگویند ما میخواهیم ارفاق بکنیم بر مردم ولی این ارفاق را باید با کسانی کرد که مستحق ارفاق هستند و الا فلان شخص خارجی که مستأجر خالصه دولت بوده است و مال دولت را برده و خورده و کلاه سردولت هزار بار گذاشته او قابل ارفاق نیست ارفاق برعایا و زارعین بهتر است و منعی هم ندارد. (صحیح است)

مخبر - یکبار دیگر این پیشنهاد خوانده شود (بترتیب سابق خوانده شد)

مخبر - اینجا توجه بفرمائید آقای فرمانفرمایان ممکن است زارعین باشند که در اینجا ساکن نباشند یا از محل دیگر آمده باشند از خارج آمده باشند باین جهت زارعین اگر مرقوم بفرمائید باسم رعایا و زارعین و اصلاح بفرمائید بنده موافقت میکنم.

رئیس - آقای فرمانفرمایان

فرمانفرمایان - بنده موافقم با این نظری که آقای مخبر اصلاح فرمودند.

طوسی - اجازة میفرمائید تصحیح کنیم: بقایای رعایا و زارعین خالصه از اجاره بها به بعد ...

الوار - بسیار خوب

رئیس - اگر زارعی در جای دیگر باشد و بدهکار باشد چه میشود؟

یکی از نمایندگان - مشمول میشود

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - فرمایشی که آقای اعتبار فرمودند صحیح است که زارع خالصه باشد ولی آقایان باید تصدیق کنید که يك قسمت اند از زارعین خالصه در خالصه نیستند کسانی هستند که از هستی ساقط شده و رفته اند عملگی میکنند و اگر در اینجا مینویسند که زارع خالصه باشد و ساکن خالصه دولت با این ترتیب اشخاصی که در خالصه ساکن نیستند شامل حال آنها نخواهد شد مگر اینکه توضیحی بدهند که ممکن است مثلاً اشخاصی که بدهکار هستند زارع بوده اند حالا رفته اند از بدبختی بملکی آنها مشمول میشوند.

مخبر - مقصود مازارع است ام از اینکه در آن جاسا کن باشد یا نباشد (صحیح است) صحبت سر زارع است ممکن است ساکن باشد یا نباشد در هر صورت نسبت بزارعین و رعایا ارفاق میشود صحبت سر زارع خالصه هم نیست زارع دیگر هم باشد همینطور . (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد آقای افشار :

بنده پیشنهاد مینمایم بند یک ماده ۱۲ بقراردیل اصلاح شود .

بند ۱ - بقایای رعایای خالصه از اجاره بها و حق الارض و آب بها الی آخر .

مخبر - تأمین شده است نظر ایشان .

پیشنهاد آقای دهستانی :

پیشنهاد میکنم قسمت ۱ ماده ۱۲ بشرح زیر اصلاح شود
۱ - کلیه بقایای بدهکاران خالصه از اجاره بها و حق الارض و آب بها و بذر و مساعده و غیره نقداً جنساً تا تاریخ ۱۳۱۹ از دفاتر دولت حذف شود . دهستانی

یکی از نمایندگان - آخر برای چه ؟

دهستانی - التفات نمی فرمائید بیان من طوری نیست که آقایان را معالغ کنم که قضایا از چه قرار است بنده عرض میکنم سالی چندین هزار تومان مخارج وصول این بقایا شده دیناری هم وصول نشده و اگر ماخذوملاکی برای آن

قائل نشویم و مثلاً بگوئیم هزار تومان صد تومان صد و یک تومان باز همان اذیت و آزار وجود دارد و زارع خالصه بدهی که دارد همه ساله تجدید میشود ممکن است هزار و یک تومان باشد پس اگر بخواهید که یک خرجی دیگر برخزان دولت

تحمیل شود چون این خالصجات فروخته شده است و رعیت بیچاره شده است دیگر یک مرتبه تا ۱۳۱۹ باشد و حال یک

تومان بود یا ۵ تومان بود یا ۱۰۰۱ تومان بود آن دارائی ندارد بدهد پس یک مرتبه هر چه هست بردارید و خرجی را

که همه ساله تحمیل میشود برخزان دولت از بین ببرید و حذف کنید از دفاتر دولت تا تمام را یک مرتبه مرتفع کنیم .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای دهستانی :

موافقین برخیزند (عده کمی برخاستند) تصویب شد .

رأی گرفته میشود به ماده ۱۲ با اصلاحی که شد آقایان

موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد .

عده از نمایندگان - ختم جلسه

۳ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

رئیس - اگر اجازه می فرمائید جلسه را ختم کنیم

(صحیح است) جلسه آتی روز ۵ شنبه ۱۹ شهریور ماه

سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور هم لایحه متمم بودجه

(مجلس ۳۵ دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری